

حضرت بهاء الله

زندگی حضرت بهاء الله، بنیان گذار آیین بهایی

کریستینه عباس

تصویرگر: مالکوم لی

مترجم: امیلیا - ح

حضرت بهاء الله

نوشته‌ی: کریستینه عباس

تصویرگر: مالکوم لی

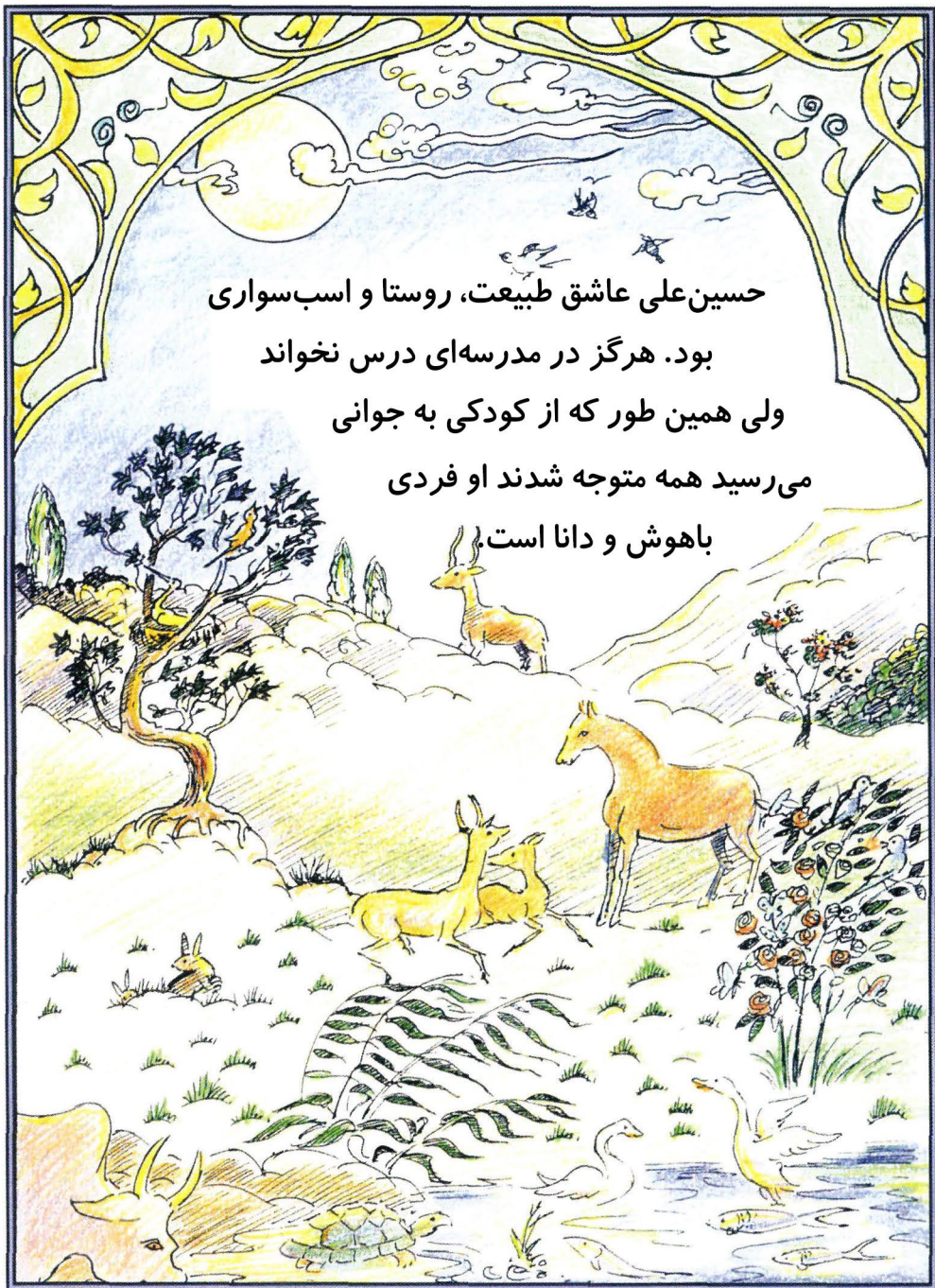
مترجم: امیلیا - ح

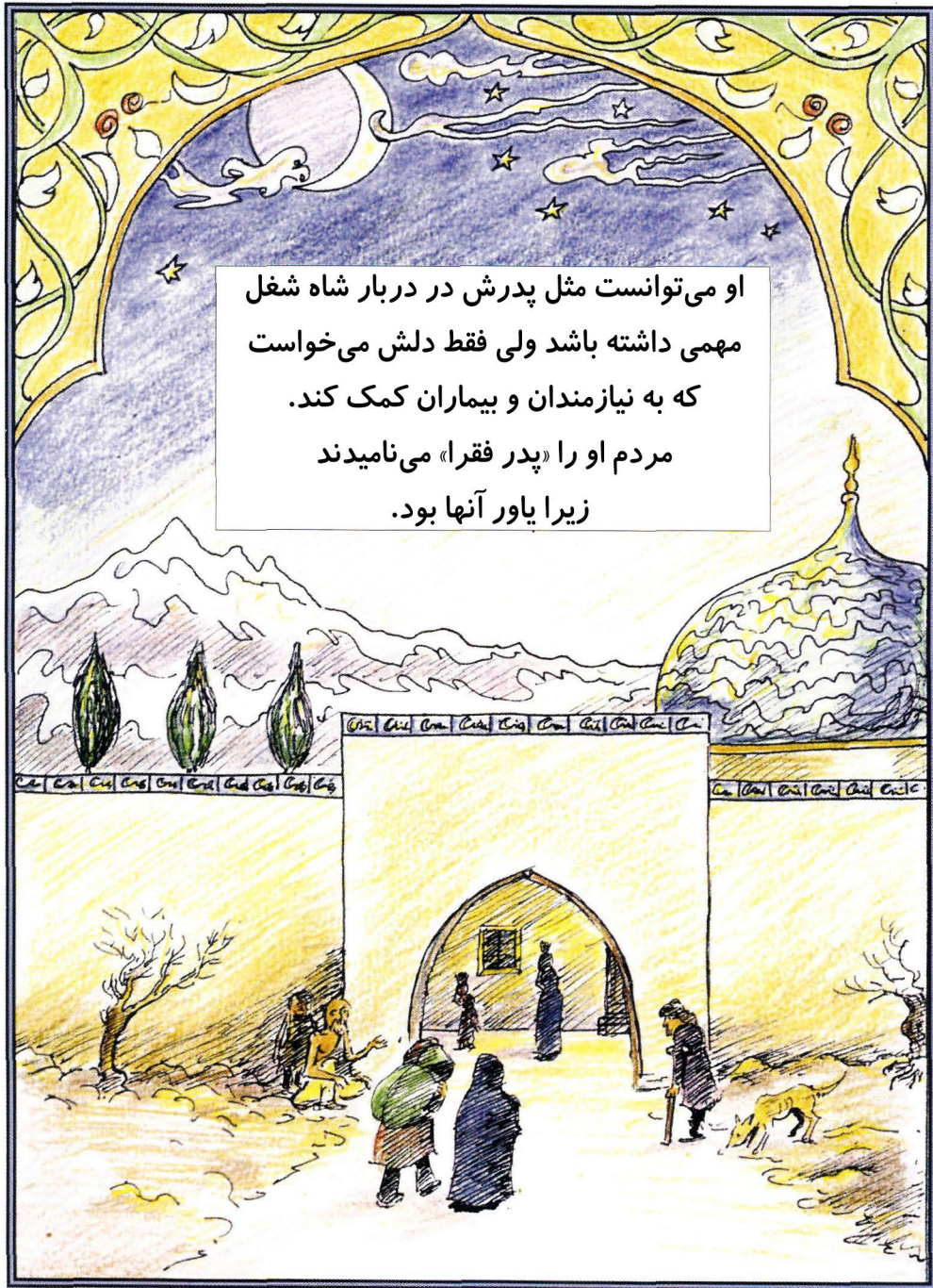


در روز ۱۲ نوامبر ۱۸۱۷، در یک

خانواده‌ی ثروتمند و مشهور که در سرزمین پارس
یا ایران کنونی زندگی می‌کردند کودکی به دنیا آمد.
آن‌ها اسم فرزندشان را حسین‌علی گذاشتند.

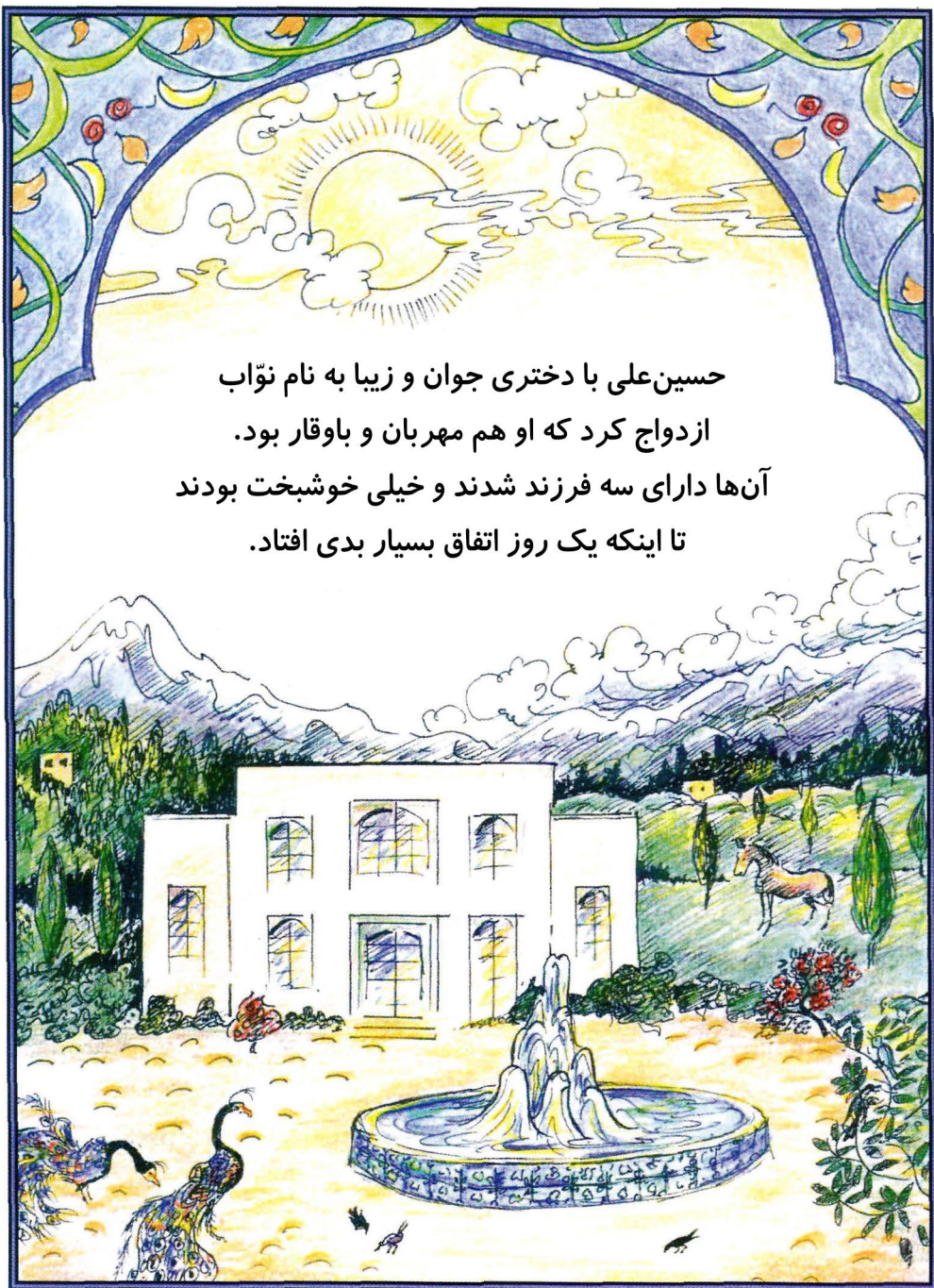
حسین علی عاشق طبیعت، روستا و اسب سواری
بود. هرگز در مدرسه‌ای درس نخواند
ولی همین طور که از کودکی به جوانی
می‌رسید همه متوجه شدند او فردی
باهوش و دانا است.





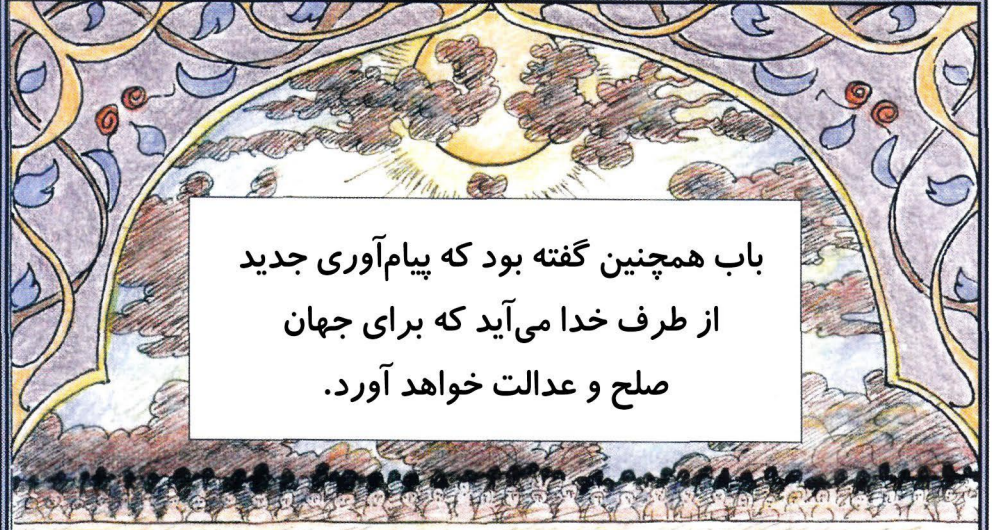
او می توانست مثل پدرش در دربار شاه شغل
مهمی داشته باشد ولی فقط دلش می خواست
که به نیازمندان و بیماران کمک کند.
مردم او را «پدر فقرا» می نامیدند
زیرا یاور آنها بود.

حسین علی با دختری جوان و زیبا به نام نَوّاب
ازدواج کرد که او هم مهربان و باوقار بود.
آن‌ها دارای سه فرزند شدند و خیلی خوشبخت بودند
تا اینکه یک روز اتفاق بسیار بدی افتاد.







حسین علی را آزار دادند و به زندانی وحشتناک انداختند. او و بسیاری از دوستانش را را به زنجیر کشیدند و در سیاه‌چالی زیر زمین زندانی کردند؛ زیرا به فردی به نام باب ایمان آورده بودند. آن‌ها آن قدر بلند دعا می‌خواندند که شاه از کاخ صدایشان را می‌شنید!



باب همچنین گفته بود که پیام‌آوری جدید
از طرف خدا می‌آید که برای جهان
صلح و عدالت خواهد آورد.



حسین‌علی و هزاران نفر دیگر به باب ایمان آوردند،
برای همین، حاکمان عصبانی شدند و
بسیاری را زندانی کردند و یا به شهادت رساندند.

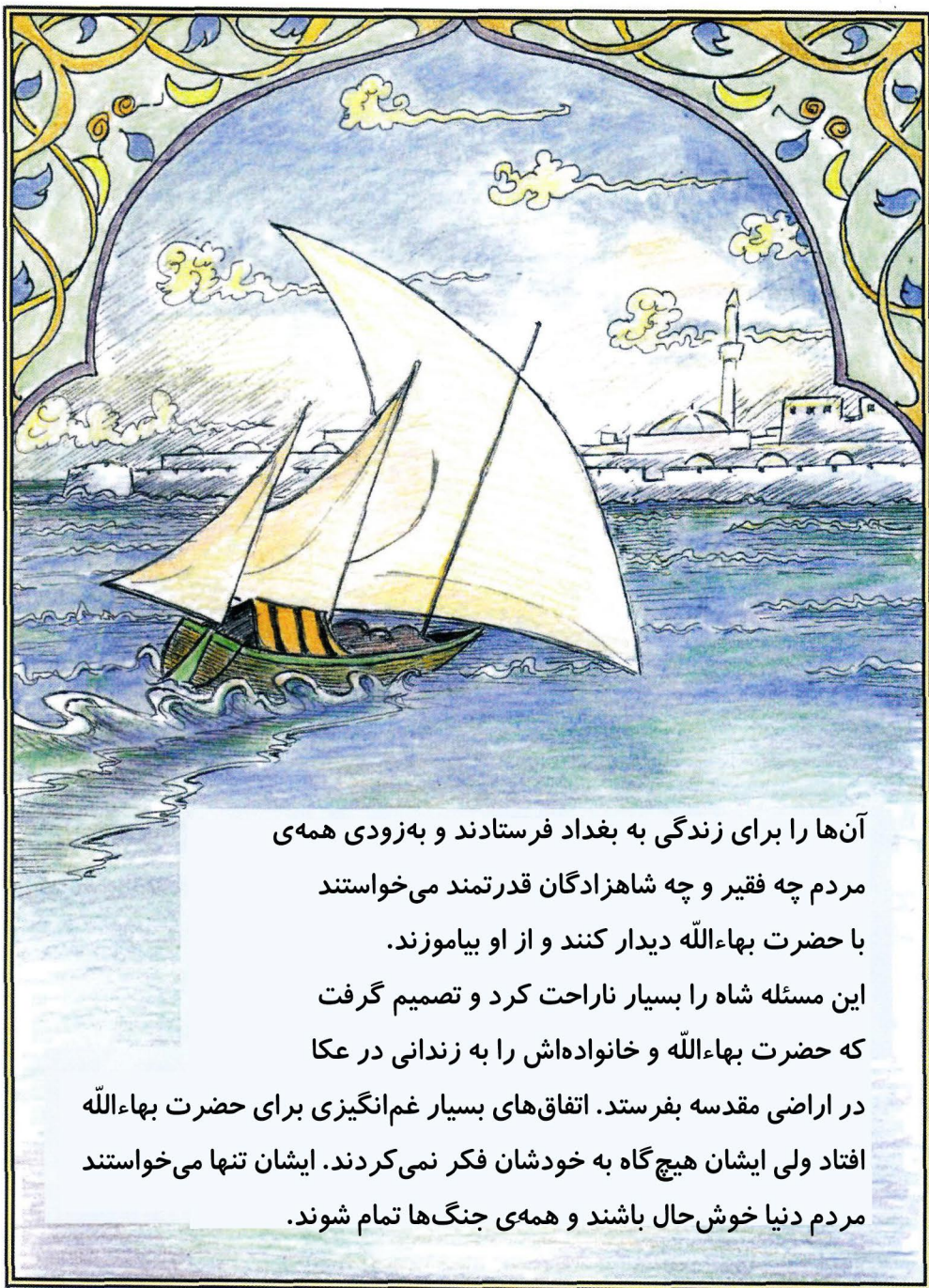


در آن زندان وحشتناک و واقعه‌ی شگفت‌آوری
برای حسین‌علی رخ داد. او رؤیای خاصی دید
که به آن الهام می‌گویند.

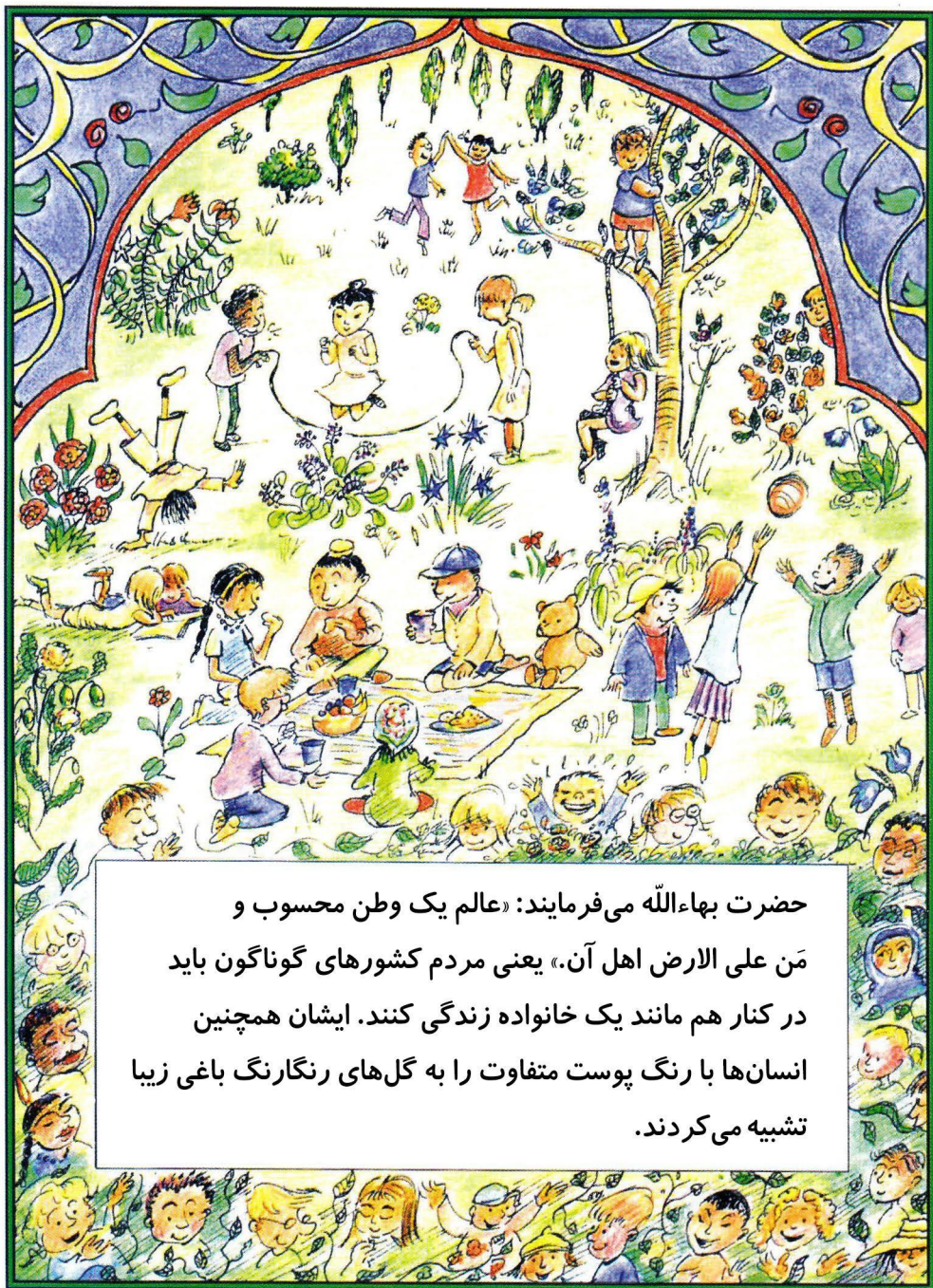
در این الهام فرشته‌ای زیبا به او گفت که پیام‌آور جدید
خداوند است و نباید بترسد چون خداوند
به او کمک خواهد کرد. حسین‌علی از آن به بعد
به نام بهاء‌الله یعنی «شکوه پرودگار» خوانده شد.



خانه‌ی زیبای حضرت بهاء‌الله را گرفتند و تمام اسباب آن را
بردند و خانواده‌ی ایشان فقیر شد. آن‌ها را مجبور کردند
ایران را تا همیشه ترک کنند و چون سرمای زمستان
شدید بود، ناچار فرزند نوپای خود را به کسی سپردند
و رفتند. خانواده تا آخر عمر زیر نظر نگهبان‌ها بودند.



آن‌ها را برای زندگی به بغداد فرستادند و به زودی همه‌ی
مردم چه فقیر و چه شاهزادگان قدرتمند می‌خواستند
با حضرت بهاء‌الله دیدار کنند و از او بیاموزند.
این مسئله شاه را بسیار ناراحت کرد و تصمیم گرفت
که حضرت بهاء‌الله و خانواده‌اش را به زندانی در عکا
در اراضی مقدسه بفرستد. اتفاق‌های بسیار غم‌انگیزی برای حضرت بهاء‌الله
افتاد ولی ایشان هیچ‌گاه به خودشان فکر نمی‌کردند. ایشان تنها می‌خواستند
مردم دنیا خوش حال باشند و همه‌ی جنگ‌ها تمام شوند.



حضرت بهاء الله می فرمایند: «عالم یک وطن محسوب و
من علی الارض اهل آن»، یعنی مردم کشورهای گوناگون باید
در کنار هم مانند یک خانواده زندگی کنند. ایشان همچنین
انسان‌ها با رنگ پوست متفاوت را به گل‌های رنگارنگ باغی زیبا
تشبیه می‌کردند.



هنگامی که حضرت بهاء‌الله از دنیا رفتند
در همان اراضی مقدسه دفن شدند.
پیروان حضرت بهاء‌الله پیام او را به سرتاسر
جهان بردند. آن‌ها را بهایی می‌نامند و در
همه‌ی کشورها ساکن‌اند. بهایی‌ها می‌دانند که
هر فرد از فرد دیگر متفاوت است و این را
می‌پذیرند و می‌خواهند با همه دوست باشند.

فعالیت‌های پیشنهادی

- ۱) تمرین کنید تا نام بهاء‌الله را به رنگ‌های مختلف بنویسید. می‌توانید از مداد، خودکار و حتی آبرنگ استفاده کنید.
- ۲) **فعالیت مقایسه‌ای.** یک کاغذ را تا کنید تا دو قسمت شود. در یک طرف خانه‌ای بسیار زیبا در یک باغ بکشید به نشان خانه‌ای که حضرت بهاء‌الله قبل از زندانی شدن در آن زندگی می‌کرد. در طرف دیگر جای تاریکی را ترسیم کنید تا نشان دهد که زندان چگونه بود.
- ۳) **این نص را یاد بگیرید.** روش‌های زیادی برای آن هست، مثلاً والدین یا مر بیان نص «عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن» را به صدای بلند بخوانند و کودکان تکرار کنند. روش دیگر اینکه کلمات این نص را جدا کنید تا کودکان تلاش کنند آن‌ها را به ترتیب درست کنند. اگر تعداد کمی در کلاس شرکت دارند می‌شود کلمات را روی میز گذاشت تا کودکان آن را به ترتیب بچینند. لطفاً به صفحه‌ی بعد مراجعه کنید و از این صفحه برای رنگ آمیزی یا قیچی کردن کلمات استفاده کنید.
- ۴) **یک تصویر دسته‌جمعی بسازید.** می‌توان کودکان را به گروه‌های مختلف تقسیم کرد تا یک نقاشی یا کلاژ درست کنند که باغی را به تصویر بکشد. در این کار مر بیان و والدین می‌توانند کودکان را یاری کنند. در مرحله‌ی بعد کودکان باید گل‌هایی بکشند یا به صورت کاغذی بسازند و اسمشان را روی آن بنویسند و در باغی که کشیده‌اند بچسبانند. می‌شود درخت هم کشید، مر بیان زیر تصویر می‌نویسند:
«همه گل‌های یک باغ هستیم.» (ترجمه‌ی یکی از تعالیم حضرت بهاء‌الله)
- ۵) **حضرت بهاء‌الله را پدر فقرا می‌نامیدند.** چهار راه را نام ببرید که ثروتمندان می‌توانند به فقرا کمک کنند.
- ۶) **به نظر شما چرا خداوند همه ما را شبیه هم نیافرید؟** اگر همه‌ی ما مثل هم بودیم آیا زندگی خسته‌کننده می‌شد؟

عالم

يك وطن

محسوب

و

مَنْ عَمَلَهُ الْاَرْضِ

اهل آن

حضرت بهاء‌الله

این کتاب داستان زندگی حضرت بهاء‌الله را به صورت ساده و با تصاویر زیبا نقل می‌کند.

کتاب مناسب بچه‌های ۵ تا ۷ سال است ولی کودکان بزرگ‌تر هم می‌توانند استفاده کنند.

کتاب شامل فعالیت‌هایی است برای درک بهتر داستان، به اضافه‌ی تاریخ مختصری از دیانت بهایی که می‌تواند برای والدین و معلمان مفید باشد.